

**برگزاری جشن‌های دهه کرامت****زمینه انتقال معارف رضوی است**

قائم مقام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی برگزاری جشن‌های دهه کرامت را زمینه‌ساز انتقال معارف رضوی دانست. رضامضانی گفت: جشن‌های مردمی دهه کرامت فرصتی برای تجدید عهد دوباره با امامت و ولایت است تا مردم با سیره و روش امام (ع) آشنا شوند. وی افزود: جشن دهه کرامت با رویکرد مردمی همراه با سرور و شادمانی زمینه‌ساز انتقال معارف رضوی به نسل‌های فعلی و آینده است. رضانی افزود: مهم‌ترین اصلی که در برگزاری جشن‌های دهه کرامت باید ملاک قرار گیرد ذوق‌تربین افکار و آرای با سیره رضوی است که ممکن است با واقعیت اسلام و روح ولایت فاصله کوتاهی داشته باشد.

قائم‌مقام اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی با تأکید بر سیره عملی و اخلاقی امام رضاع(ع) تصریح کرد: گسترش عدالت و مهرورزی و شاخص‌های وجودی دیگر امام هشتم(ع) با چاشنی سرور و شادمانی معقول و منطقی کار آیی بیشتری دارد.

وی با اشاره به بیان مطلب که آغوش امامت و ولایت به‌روی همگان گشوده است اذعان داشت: ولادت فاطمه معصومه(س) تا امام رضاع(ع) که با عنوان جشن‌های دهه کرامت نامگذاری شده‌است در واقع سرآغازی دوباره برای معرفت و شناخت رضوی است.

**اعزام ۲۰ سخنران مذهبی****در جهت بینش سیره رضوی به کشورهای خارجی**

معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از اعزام ۲۰ سخنران مذهبی در جهت بینش سیره رضوی به کشورهای خارجی در جشنواره هفتم امام رضاع(ع) خبر داد.

محمود واعظی معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در نشست مسئولان کمیته علمی جشنواره هفتم امام رضاع(ع) در مشهد اظهار داشت: با اشاره به نقش اهل بیت در فرهنگ‌سازی بهره‌گیری از اخلاقیات رضوی، گفتگو و منش‌ها، عرفان، الگوی حکومت مردم‌سالاری دینی، حقوق طبیعی، سیر تمدن‌ها، مطاب‌الرضا، گرایش عقلی یا عقل محوری از موضوعاتی است که در پایان‌های علمی دانشگاه‌ها در راستای جشنواره هفتم صورت می‌گیرد. وی ادامه داد: با توجه به تنوع برنامه‌های مختلف جشنواره در ۲۰ کشور خارجی، مهم‌ترین دغدغه مسئولان کمیته هیئت علمی محتوا محوری این برنامه‌ها است.

واعظی افزود: با هدف اثر گذاری پایدار و بادوام تولیدات و آثار جشنواره فرهنگی هنری امام رضاع(ع) و با توجه به استقبال از این جشنواره در بعضی کشورهای خارجی ۱۲ کتاب‌خانه تخصصی امام رضاع(ع) نیز در راستای تحقق این اهداف برپا می‌شود.

واعظی از خرید ۱۵۶ عنوان کتاب با موضوعات مرتبط با امام رضاع(ع) و ارسال این کتب برای کتاب‌خانه‌های تخصصی خیرداد و تصریح کرد: در سال سسی‌دی‌های نرم‌افزاری، پایان‌نامه‌ها، پژوهش‌ها و مقالات دانشجویی پس از جمع‌آوری و تدوین برای کشورهای خارجی ارسال می‌شود. معاون فرهنگ و ارتباطات اسلامی تصریح کرد: اثر نفیس تصویر برداری شده از تولیدات جشنواره هفتم امام رضاع(ع) به صورت آلمان کشورهای خارجی خبر داد و اظهار داشت: با توجه به اینکه کتیبه‌ها و آثار خوش‌نویسی گرانبهار در موزه حرم مطهر امام رضاع(ع) موجود است لذا در راستای اشاعه فرهنگ رضوی در کشورهای خارجی نصاب این المان‌ها صورت گرفته است.

واعظی با اشاره به برپیز از برنامه‌های تکراری در جشنواره هفتم گفت: سی‌دی‌های نرم‌افزار اسالی به کشورهای خارجی بهتر است در مباحث وحدت متعالی ادیان با بهره‌گیری از فلسفه انسان و سنت امام رضاع(ع) بیشتر به صورت حدیث و گزارش و نمایش صورت گیرد.

معاون فرهنگی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی از اعزام ۲۰ سخنران مذهبی به کشورهای خارجی در ایام میلاد امام رضاع(ع) خبر داد و اذعان داشت: در جهت تبیین سیره رضوی و با توجه به چالش‌های فکری انسان معاصر و نیاز مخاطبین بهتر است در ایام ولادت امام هفتم(ع) از مبلغان جوان کار ارتباطات زیباتری با مخاطبان برقرار می‌سازند استفاده شود. در این نشست اعضای کمیته علمی به ارائه ایده‌های گاه‌مختلف درباره برگزاری هفتمین جشنواره هفتم امام رضاع(ع) در کشورهای خارجی پرداختند.

**۸۸/۸/۸ در تقارن میلاد امام رضاع(ع)****غربت کمتری احساس خواهیم کرد**

جشنواره فرهنگی هنری امام رضاع(ع) در دهه کرامت موجب سوق دادن جوانان به سوی اهداف و برنامه‌های مذهبی با رویکرد دینی خواهد شد. فاطمه رهبر عضو کمیسیون فرهنگی و نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی در خصوص برگزاری جشنواره فرهنگی هنری بین‌المللی امام رضاع(ع) در سایر کشورهای مسلمان گفت: یکی از نکات مثبت و قابل توجه در این جشنواره تنوع موضوعات و حضور همه مقاطع سنی است که هنر خودشان با میزان آردانشان به اهل بیت در کشور اسلامی مانسان داده می‌شود و جوانان و نوجوانانی می‌توانند این عشق را هر چه تمام‌تر به امام نازنین ایران زمین حضرت رضاع(ع) اثبات نمایند.

وی افزود: این حرکت بسیار نوین و زیباست که هنرمندان با هنرشان، نخبگان و نویسندگان با آثارشان و علاقه‌مندان به این حضرت با ارادت و اخلاص، عشقشان را به امام رضاع(ع) بیان نمایند. نه تنها در بعد جهانی بلکه اولاً برای هدایت و سوق دادن جوانان و نوجوانان به ایران اسلامی به سوی اهداف عالی ائمه علیهم‌السلام لازم بود چه تا تعریف می‌شود.

رهبر اضافه کرد: با توجه به اینکه امسال میلاد این امام همام تقارن است با هشتمین روز از هشتمین ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و هشت برای خود فاطمه زهرا علیها‌السلام است. همین‌که با اجرا برگزاری مناسبت‌های غربی‌اش اما مربوط و مهم و خوششید و فلک در کارند تا غربی‌ی امام رضاع(ع) در روز هفتم از هشتمین ماه و سال ۸۸ کمتر احساس شود.

وی خاطر نشان کرد: در عرصه بین‌المللی اتفاق مبارکی است که سیره و روش امام رضاع(ع) به جهانیان معرفی شود و این جشنواره با هدف ارتقاء سطح بینش و آشنایی هنرمندان و ترویج فرهنگ رضوی مثمر ثمر واقع شود. فاطمه رهبر اظهار داشت: همین‌که با اجرا برگزاری مناسبت‌های دینی و مذهبی با رویکرد دینی، جوانان و نوجوانان این مرز و بوم اسلامی را به این سمت سوق دهیم تا بتوانند با اقوام دینی به کار و فعالیت‌هایشان دهند این حرکت مثبت و ثمربخش خواهد بود.

**وحید حسینی****بخش نخست**

کارنامه‌ی دکتر محمود فتوحی؛ نویسنده، پژوهشگر و دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، آن قدر پربار است که پرداختن به آن خود مطلب مفصل دیگری ست. وی علاوه بر دانستن زبان‌های انگلیسی، عربی، صرب و کرواسی؛ تألیفات، پژوهش‌ها و سوانح اجرایی بسیاری دارد.

فارسی عمومی (در سنانهٔ دانشگاهی)، نقد خیال، (نقد ادبی در سبک هندی)، سیب پرتابی، (دفتر شعرع)، نظریهٔ تاریخ ادبیات، (نقد و بررسی تاریخ ادبیات نگاری در ایران)، تاریخ ادبیات صربستان (ترجمه و تألیف)، بلاغت تصویر و نظریهٔ تاریخ ادبیات آثار تالیفی اویند.

وی همچنین مدرس دانشگاه تربیت معلم تهران، دانشگاه بلگراد یوگسلاوی و دانشگاه فردوسی مشهد و سردبیر مجله‌ی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم، عضو هیئت تحریریه‌ی ماهنامهٔ ادبیات و فلسفه و دبیر پژوهش فرهنگی سال (شاخهٔ ادبیات) وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز هست.

■ ■ ■

**بخشی از پژوهش‌های شما به موضوع نظریه‌ی تاریخ ادبیات مربوط است. ضرورت پرداختن به این موضوع و تألیف کتاب نظریه‌ی تاریخ ادبیات از کجا شکل گرفت؟**

مجله‌ی ادبیات و فلسفه در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ سخنرانی‌هایی در موضوع «وضعیت نقد ادبی در ایران» در خانه‌ی کتاب برگزار می‌کرد. یکی از موضوعات آن جلسات «تاریخ ادبیات نویسی در ایران» بود که بنده عهده‌دار آن شدم. همان زمان ضرورت طرح مباحث تئوریک در تاریخ ادبیات فارسی را عمیقاً حس کردم چون مجموعه‌ی بحث‌های نظری درباره‌ی تاریخ ادبیات در تمام زبان‌های فارسی به ده صفحه نمی‌رسید. امروزه هر قلمرویی از فعالیت‌های ذهنی بشر دارای یک پشتوانه‌ی استوار تئوریک است. ای‌امی شود بحثی با این درجه از اهمیت فاقد پشتوانه و پیش‌زمینه‌ی نظری باشد؟

از طرفی بنده متقدم که تاریخ ادبیات نقطه‌ی آغاز و انجام نقطه‌ی پایان پژوهش‌های ادبی است؛ نقطه‌ی آغاز است به این معنی که هر پژوهش‌گر یا منتقدی در نخستین گام برای یافتن اطلاعات لازم درباره‌ی موضوع پژوهش خود به تاریخ ادبیات مراجعه می‌کند تا جایگاه موضوع پژوهش‌اش را در تاریخ و نسبت آن را با دیگر مسائل بشناسد. و باز تاریخ ادبیات نقطه‌ی پایان پژوهش‌های ادبی است؛ یعنی معنی که معتبرترین دست‌آوردهای پژوهش‌های ادبی وارد تاریخ ادبیات می‌شود. اغلب پژوهش‌های ادبی از سبک‌شناسی گرفته تا اغلب شاخه‌های نقادانه‌ی مثل نقد تکوینی، نقد تفسیری، مطالعات بینامتنی، نقد هرمنیوتیک و نقد تاریخی نگر مستقیماً با تاریخ ادبیات مرتبط هستند. حتی پژوهش‌های علوم انسانی مثل پژوهش در تاریخ زیبایی‌شناسی، مطالعات فرهنگی و اجتماعی همه به نوعی با تاریخ ادبیات سر و کار پیدا می‌کنند.

**پس اجازه دهید برگردیم به مسئله اساسی‌تر یعنی «چرا به تاریخ ادبیات نیاز مندیم». اصلاً نیاز به این دانش از کجا آغاز می‌شود و چرا در**

**همه‌ی زبان‌ها و در میان همه‌ی ملل داشتن تاریخ ادبیات ملی یک ضرورت است؟**

اتفاقاً یکی از پرسش‌های اساسی نظریه‌ی تاریخ ادبیات همین است. تاریخ ادبیات بخشی از تاریخ ملت است در کنار تاریخ سیاسی، تاریخ دین، تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگ و... تاریخ نخبگان و ارزش‌های ماندگار یک فرهنگ که با هویت ملی گره خورده است. شما اگر بخواهید هویت هر قوم یا ملتی را بشناسید، دنبال شاخص‌های اصلی و ویژگی‌های خاص آن قوم می‌گردید. ممیزه‌هایی که یک ملت را از ملت دیگر جدا می‌کند در زبان، فرهنگ، دین، سنت‌ها و گذشته‌ی تاریخی آن قوم نمود می‌یابد. این‌ها عناصر و شاخص‌های عمده‌ی هویت‌اند. ادبیات ظرفی است که هم زبان ملت را در عالی‌ترین سطوحش نشان می‌دهد، هم فرهنگ

و ارزش‌های سنتی و دینی را و هم تصویری از گذشته‌ی مشترک یک قوم ارائه می‌دهد. فراتر از این‌ها سرگذشت‌نامه‌ی ذهن‌های برتر و فرزاتگان و فرهنگ‌سازان و رخدادهای مهم فرهنگی آن ملت هم هست. به هر کشوری که بروید راهنمایان تورهای گردشگری شما را به مکان‌های تاریخی و فرهنگی می‌برند که جلوه‌های برجستهٔ تاریخ و هویت ملی آن‌هاست؛ این امکان به نحوی با زندگی و آینده‌نویسندگان، شاعران، دانشمندان و نخبگان آن ملت مرتبط است. خوب، اگر بخواهید آن شخصیت‌ها و مکان‌ها را بشناسید، ناگزیرید اطلاعات لازم را در کتاب‌های تاریخ ادبیات و فرهنگ آن کشور جستجو کنید.

یک وقتی خاتم‌ان ماری شیمل، شرق‌شناس بزرگ آلمانی در جوانی به عنوان توریست به شهر قونیه در ترکیه می‌رود و از طریق تماشای مراسم سماع مولویه مشتاق آشنایی با جلال‌الدین مولوی می‌شود. زبان ترکی را فرامی‌گیرد که مولوی را بشناسد بعد می‌بیند که این جلال‌الدین، ایرانی بوده و کشیده می‌شود به ادبیات فارسی و پژوهش در این قلمرو تا ببیند اصل ماجرای قونیه از چه قرار بوده است. نیاز به تاریخ ادبیات بخشی از همان نیاز به تاریخ است.

**تأثیر نگارش تاریخ ادبیات در شکل دادن به هویت ملی چقدر است؟**

بحث هویت ملی با مفهوم امروزی از پایان قرن نوزدهم و اوایل قرن بیست‌اوج گرفت و هم‌زمان رابطه‌ی هویت با تاریخ ادبی در ادبیات اروپا آشکار شد. کنکاش در رشته‌ی هویت ملی، باب تاریخ ادبیات نویسی را باز کرد چنان‌که وجود یک تاریخ ادبیات ملی برای هر ملتی یک ضرورت بود.

یکی از شاخص‌های بنیادین هویت «گذشته‌ی مشترک ک ملت» است. بخشی از این گذشته‌ی مشترک در ادبیات، هنر و متن‌هایی که در سراسر این گذشته‌ی مشترک خوانده می‌شده، نمودار است. چه چیز بهتر از ادبیات می‌تواند هویت ملتی را نشان دهد. فردوسی، خیام، بیهقی، حافظ و مولوی متعلق به گذشته‌ای هستند که در زندگی اکنون ما نیز حضور دارند و حضورشان در تمام این قرن‌ها به نوع تفکر و زندگی ما شکل داده است.

آثار ادبی بخش جدایی‌ناپذیر هویت ملی‌اند، عصره‌ی اندیشه‌ها و تجربه‌های مشترک قومی مایند؛ متعالی‌ترین شکل زبان ملی مایند؛ عالی‌ترین احساسات زیبایی‌شناختی ملی را در خود دارند. فضیلت‌های انسانی را به رنگ و بوی ملی می‌نمایند. ماندگارترین تصویرها از زندگی و اندیشه‌های

نخبگان ملت عرضه کرده‌اند و مؤثرترین تفسیرها و تأویل‌ها و افکانش‌ها را برانگیخته‌اند. از زندگی و روح ملی برآمده‌اند و در عین حال زندگی و روح ملی را شکل می‌دهند. وقتی ما تاریخ ادبیات می‌نویسیم در واقع همه‌ی این مسائل را می‌نویسیم.

اگر به جنجال‌هایی که در تاریخ ادبیات فارسی، عربی، تاجیک و افغان بر سر هویت ملی بزرگانی مثل رودکی، مولوی، ابن سینا و فارابی وجود دارد دقت کنیم، نقش تاریخ ادبیات را در شکل دادن به هویت ملی به وضوح درمی‌یابیم. در سال‌های اخیر مولوی به عنوان یک شخصیت مطرح در فرهنگ جهانی در کانون مباحث قومی و ملی کشورهای ازبکستان، افغانستان، ایران و ترکیه قرار گرفته است. تاریخ ادبیات ذاتاً با موضوع هویت گره خورده است و گاه تودرتوی هویت‌ها برای مورخ ادبی بسیار مشکل‌ساز می‌شود.

**یعنی شما معتقدید، که دگرگونی‌ها و تحولات در جغرافیای سیاسی تاریخ ادبیات راهم تحت تأثیر قرار داده است؟**

بله، قطعاً حتی از تأثیر فراتر، تا آنجا که برای مورخ ادبی بحران ایجاد می‌کند بر روابط سیاسی کشورها تأثیر می‌گذارد. اجاز، بدهید یک نمونه از این تأثیر را نقل کنم، سال ۲۰۰۴ در دانشگاه بلگراد کتابی با عنوان تاریخ ادبیات یوگسلاوی ترجمه و تدوین کرده بودم. استادان و دانشجویان صربی در شهر بلگراد با نام تاریخ ادبیات یوگسلاوی سخت مخالف بودند. می‌گفتند که بعد از ۱۹۹۸ جمهوری یوگسلاوی از هم پاشیده و چیزی به نام یوگسلاوی وجود ندارد. من می‌گفتم تمام نویسندگان مطرح این کتاب متعلق به جمهوری یوگسلاوی‌اند، آن‌ها در آن دوران زنده‌اند و نوشته‌اند. دانشجویان ملی‌گرای صرب می‌گفتند صربستان در تمام آن زمان مرکزیت فرهنگی یوگسلاوها بوده است؛ باید نام کتاب را بگذاریم تاریخ ادبیات صربستان. چه باید می‌کردم؟ در کتاب نویسندگان مشهوری از بوسنی و هرزگوین و کرواسی و مقدونیه هم آمده است. مثلاً برنده‌ی جایزه‌ی ادبی نوبل ۱۹۶۱ ایوو

# آثار ادبی بخش جدایی‌ناپذیر هویت ملی‌اند

**گفتگویی با دکتر محمود فتوحی؛ نویسنده، پژوهشگر و دانشیار دانشگاه فردوسی**

تکیه بر معلومات خودش نوشت، طبعاً چنین امری امکان‌پذیر نیست. منابع اصلی این مورخان ادبی غربی، کتاب‌ها و منابع فارسی خود مامل تاریخ‌ها و تذکره‌های ایرانی بوده است. ما از سال‌های ۵۵۰ هجری قمری که نظامی عروضی سمرقندی چهار مقاله را نوشته تا زمان هرمان اته و براون، صدها تذکره و تاریخ داریم که حاوی اطلاعات

گسترده‌ای درباره‌ی فرهنگ و ادبیات ما هستند. مرحوم گلچین معانی در کتاب تاریخ تذکره‌های فارسی حدود ۵۲۹ اثر تاریخی و ادبی مختلف را معرفی کرده که حاوی اطلاعات تاریخ ادبی هستند. این‌ها مصالح و مواد است که پیشینیان مانند آثار ادبیات فارسی در زبان فارسی از گزینش صرف اشعار به سوی زندگی نامه‌نویسی و سپس به جانب تألیف تذکره‌هایی با نگاه انتقادی و نهایتاً به سوی جریان‌شناسی و نوعی تاریخ ادبیات شبیه آن چه امروز می‌شناسیم پیش می‌آید.

**اما خود شما در جایی نوشته‌اید اصطلاح «تاریخ ادبیات» به معنی «بررسی روند تحول و دگرگونی» را رویایی‌ها اولین بار بآب کردند.**

ببینید، در زبان فارسی تا میانه‌ی دوره‌ی رضا شاه (حدود ۱۳۱۳ شمسی) هیچ تألیفی نمی‌یابیم که با معیارهای دوران جدید بتوان آن را «تاریخ ادبیات» نامید. یعنی کتاب مستقلی که با نگاه تاریخی نگر و جستجوی هدف‌مند روند تحول و دگرگونی مسائل ادبی را ترسیم کند. ایرانی‌ها اولین الگوها را از تاریخ ادبی ایران شناسان گرفتند. خوب، اروپایی‌ها که در جستجوی هدف‌مند هویت ملی ما بودند، نیاز داشتند درباره‌ی گذشته‌ی فرهنگی و فکری ما و تفاوت‌های هویتی ما با تاجیک‌ها، افغان‌ها و دیگر اقوام اطلاعات دقیق داشته باشند، به همین جهت نوشتن تاریخ ادبیات فارسی برای شرق‌شناسان و نخبگان و دولت‌مردان غربی اهمیت داشت.

ادامه دارد

و سیاسی خود را دارد و برای خلق ادبی، می‌بایست شرایط و ویژگی‌های آن دوران را درک نمود. بهتر آن است که شاعر خوب خراسانی، قدری به سوی ادبیات و شعر معاصر بیاید و با خواندن اشعار شاعرانی چون: نیما، نادر نادر پور، فروغ فرخ‌زاد، سهراب سپهری، اسماعیل شاهرودی، منوچهر آتش، یدآ، رویایی، احمد شاملو، مهدی اخوان ثالث و... سطح آگاهی و دانش خود را از حوزه‌ی شعر بالاتر ببرد. از سویی مطالعه‌ی آثار آفرینندگان دوران مشروطه «آغاز تحولات جدید در شعر فارسی» مانند: ایرج، عارف قزوینی، نسیم شمال، میرزاده‌ی عشقی، طالبوف و... می‌تواند مدد بسیاری به شاعر برساند. خلاصه کلام، با وجود ایراداتی که به مجموعه‌ی شعر فوق وارد است، باز هم می‌توان آن را، برآیند احساس ناب و لحظاتی بکر توصیف کرد که خواندن بسیاری از قطعات و اشعار آن، خالی از لطف نخواهد بود. در پایان به شاعر محترم «خانم بروغنی» تبریک عرض نموده و برای ایشان توفیق، شادکامی و انتسار مجموعه‌های متنوع و البته قدرتمندتر از مجموعه‌ی شعر «مرورید» را آرزو مندیم.

در پایان بخشی از شعر «می‌آیی» را می‌خوانیم که در صفحه‌ی ۱۷۱ کتاب مرورید آمده است:

«عصر جدیدی» بدان بیفزاید...

از دیگر سو، فقر و آگاهی و عدم تسلط بر اوزان عروضی و چینش دقیق آن، بدل به معضلی می‌شود که احساس نساب و عرصه‌های خیال شاعرانه‌ی «بروغنی» را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اصولاً هر دوره‌ای، اقتضای فرهنگی – هنری، اجتماعی

## جستجوی مرورید در دریاچه‌ای کم‌عمق!

**نقدی بر مجموعه «مرورید» سروده‌ی خانم شهلا بروغنی**

در تداعی فضایی از احساس، شور و جذب، نسبتاً موفق عمل کنند... شاعر، که به یقین بیشتر برای دل خودش می‌سراید تا برای طرح در محافل رسمی و مجامع ادبی، سعی نموده دغدغه‌ها و ایده‌های شخصی‌اش را در قالب شعرهای کلاسیک منتقل نماید و حاصل تلاش او اثری است که

نام: مرورید (سه دفتر شعر؛ ساقی نامه - در گذر خاطره‌ها و رنج‌نامه)

شاعر: شهلا بروغنی (شریفی راد)

ناشر: انتشارات خانه‌ی آبی، مشهد. نوبت چاپ: اول ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

مرورید، دقتی از سروده‌های خانم شهلا بروغنی (شریفی راد) در اوزان کلاسیک است که موضوعات متعددی را در برمی‌گیرد. از آواخونه‌ها تا اشعار مناسبی و منقبتی، تا اشعاری که به برخی دوستان و اعضای خانواده تقدیم شده است... بخشی از شعرهای این دفتر که شامل ترانه‌هایی می‌شود، نسبت به سایر شعرها، از زبان و ساختار ضعیف‌تری برخوردار است. اشعار دفتر نخست (ساقی نامه) از زبان، ساختار و شکل محکم‌تری برخوردارند و به لحاظ غنای تخیل و مضامین، دارای اوج و فرود قابل توجهی‌اند:

به زلفی و به رویی عاشق زارم کنیدا مشب  
به بازار ملامت‌ها برید و بر سر دارم کنیدا مشب!

مضامین و واژگان اشعار بروغنی، هرچند به هیچ‌وجه تازه نیستند، اما حسن آمیزی خوب شاعر، باعث می‌شود که همین مضامین کلیشه‌ای، طینتی تازه در گوش مخاطب داشته باشند و جدای از برخی ایرادات ویرایشی و بعضاً ایرادات واضح عروضی (وزنی و کلامی)

**به صرف کمی شعر****به زبان خودشان**

با درختی که زند سر به فلک  
به زبان مِه و آب  
به زبان لجن و سایه و لک  
به زبان شب و شک حرف مزین  
با درختان برومند جوان  
به زبان گل و نور  
به زبان سحر و آب روان  
به زبان خودشان حرف بز  
■ ■ ■

درخت را به نام برگ  
بهار را به نام گل  
ستاره را به نام نور  
کوه را به نام سنگ  
دل شکفته مرا به نام عشق  
عشق را به نام درد  
مرا به نام کوچک صدابزن!

**افسانه خواب**

آنان که محیط فضل و آداب شدند  
در جمع کمال، شمع اصحاب شدند  
ره زین شب تاریک، تیرند برون  
گفتند فسانه‌ای و در خواب شدند

خیام